

کتاب دانیال — نمبر سوله

نمادها

Jeff Pippenger

2023-12-11

پیش از آن که به باب سوم دانیال بپردازیم، برخی نمادپردازی‌های نبوی را بررسی خواهیم کرد که ممکن است ما را قادر سازد این باب را به گونه‌ای کامل‌تر درک کنیم. دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا، بر اساس زمینه‌ای که در آن به کار گرفته شده‌اند، به وسیله روح القدس برای نمایاندن نمادهای نبوی مشخص به کار گرفته می‌شوند. در باب اول، آنان به صورت چهار مرد شایسته، بدون هیچ تمایزی، معرفی می‌شوند، تا پایان باب، جایی که دانیال به عنوان کسی شناخته می‌شود که عطای «فهمیدن در همه رؤیاها و خواب‌ها» را دارد.

وَأَمَّا هُؤُلَاءِ الْفَتَيَةُ الْأَرْبَعَةُ فَأَعْطَاهُمُ اللَّهُ مَعْرِفَةً وَفَهْمًا فِي كُلِّ كِتَابَةٍ وَحِكْمَةً؛ وَكَانَ دَانِيَالُ فَهِيمًا فِي كُلِّ الرُّؤْيَى وَالْأَحْلَامِ. دانیال 1:17.

در فصل اول، آنان به عنوان نماد «چهار» نمایانگر قوم خدا در ایام آخر در سراسر جهان هستند. «چهار» نمادی است که بر شمول جهانی دلالت می‌کند، و همه انبیا از ایام آخر سخن می‌گویند. آن چهار بزرگوار در فصل اول نمایانگر قوم خدا در ایام آخرند، و در آیه هفده برای نخستین بار تمایزی میان دانیال و آن سه بزرگوار برقرار می‌شود که نماد یک «ترکیب سه و یک» را می‌رساند.

نماد «ترکیب سه و یک» بارها در کلام ملهم یافت می‌شود. این نماد، بسته به سیاق، بیانگر چندین حقیقت است. این نماد، تاریخ پیام‌های سه فرشته را که در «زمان آخر» در سال ۱۷۹۸ آغاز شد و در پایان مهلت توبه خاتمه می‌یابد، نمایندگی می‌کند. هر سه پیام در جنبش فرشته اول نمود یافت، و آن جنبش با فرشته چهارم مکاشفه هجده دنبال می‌شود؛ از این رو، ترکیبی سه و یک.

در برخی زمینه‌ها، این می‌تواند حرکت پیام فرشته اول تاریخ میلریتی را با شماره یک، در ترکیب با حرکت پیام فرشته سوم با شماره سه، نشان دهد. از این رو، «ترکیب سه و یک» را همچنین می‌توان به صورت «ترکیب یک و سه» نیز بازنمایی کرد. «ترکیب نمادین سه و یک» به عنوان یک نماد عمل می‌کند، خواه یک - پیش از سه - قرار گیرد، یا سه - پیش از یک - در کوره نبوکدنصر، در باب سوم دانیال، نخست آن سه مرد شایسته را می‌بینیم، و سپس چهارمی را که مانند پسر خدا بود.

و این سه مرد، شدرک و میشک و عبدنغو، در حالی که بسته بودند، به میان کوره آتش سوزان افتادند. آنگاه نبوکدنصر پادشاه مبهوت شد و با شتاب برخاست و خطاب به مشاوران خود گفت: آیا ما سه مرد بسته را به میان آتش نیفکندیم؟ ایشان در پاسخ به پادشاه گفتند: بی‌گمان، ای پادشاه. او در جواب گفت: اینک من چهار مرد گشوده را می‌بینم که در میان آتش راه می‌روند، و هیچ آسیبی به ایشان نرسیده است؛ و سیمای نفر چهارم مانند پسر خداست. دانیال ۳:۲۳-۲۵.

بی‌تردید هم علتی کاملاً الهی و هم حقیقتی دقیق تاریخی وجود دارد که به ما می‌فهماند چرا دانیال در مراسم پرستش تمثال زرین باب سوم حاضر و نمایان نشده است؛ اما یکی از علل نبوی این است که اگر دانیال در آنجا حضور می‌داشت، نمادگرایی نبوی ترکیب سه و یک در کوره آتشین را از میان می‌برد. در مورد جدعون، این جدعون بود با سه دسته یک صد نفری او. مسیح نیز غالباً با سه شاگرد بود.

و پس از شش روز، عیسی پطرس و یعقوب و یوحنا برادر او را برگرفت و ایشان را به تنهایی بر فراز کوهی بلند برد؛ و در برابر ایشان هیئت او دگرگون شد: چهره‌اش چون خورشید درخشید و جامه‌اش همچون نور سپید گردید. متی ۱۷:۲

یک‌وسه، یا سه‌ویک؛ این همان نماد است، زیرا همگی نمایانگر عنصری نبوی از ایام آخر می‌باشند، و ایام آخر، ایام داوری‌اند. ایام داوری در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، با اعلام این‌که داوری تحقیقی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز خواهد شد. و ایام داوری ادامه می‌یابد تا زمانی که مهلت آزمایش انسان در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع آغاز به بسته شدن کند، در حالی که داوری‌های اجرایی خدا آغاز می‌شوند و به تدریج شدت می‌گیرند تا آن‌که مهلت آزمایش به‌طور کامل بسته شود و هفت بلای آخر واقع گردد. در کوره نبوکدنصر، آن سه مرد شایسته، که پس از آن مسیح به ایشان پیوست، نشان را نمایندگی می‌کنند. در مراسم تقدیس تمثال زرین، همه ملت‌هایی که امپراتوری نبوکدنصر را تشکیل می‌دادند حضور داشتند.

او از دور برای امت‌ها علّمی برخواهد افراشت، و از کرانه زمین برای ایشان سوت خواهد زد؛ و اینک، آنان با شتابی سریع خواهند آمد. اشعیا ۵:۲۶.

هفتاد سال اسارت دانیال نمادی اساسی دیگر است که باید شناخته شود، و این نماد بارها در کلام الهامی یافت می‌شود. از یهوایقیم تا کورش، هفتاد سال واقعی اسارت دانیال را نمایندگی می‌کند. در دوم تواریخ، هفتاد سال نمایانگر دوره‌ای است که طی آن زمین آرامی می‌یافت و از سبب‌های خود بهره‌مند می‌شد. در اشعیا بیست‌وسه، هفتاد سال نمایانگر تاریخ ایالات متحده از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه است، و بدین‌سان، همچنین تاریخ‌های موازی شاخ جمهوری‌خواهی و شاخ پروتستانیسم راستین را نمایندگی می‌کند. خواهر وایت هفتاد سال را با هزارودویست‌وشصت سال اعصار تاریک پاپی همسو می‌سازد.

«امروز کلیسای خدا آزاد است که نقشه الهی را برای نجات نژادی گم‌شده تا به کمال به پیش برد. طی قرون متمادی، قوم خدا از آزادی‌های خود محروم بودند. موعظه انجیل در خلوص آن ممنوع شده بود، و سخت‌ترین مجازات‌ها بر کسانی وارد می‌شد که جرأت می‌کردند از اوامر انسان‌ها سرپیچی کنند. در نتیجه، تاکستان بزرگ اخلاقی خداوند تقریباً به‌طور کامل بی‌متصدی مانده بود. مردم از نور کلام خدا محروم شده بودند. تاریکی خطا و خرافات تهدید می‌کرد که شناخت دین حقیقی را محو سازد. کلیسای خدا بر روی زمین در طی این دوره طولانی جفای بی‌امان، به همان اندازه در اسارت بود که بنی‌اسرائیل در دوران تبعید، در بابل به اسارت نگاه داشته شده بودند.» انبیا و پادشاهان، ۷۱۴.

به محض آنکه فهمیده شود که هفتاد سال، به‌عنوان نمادی، همچنین نمایانگر هزار و دویست و شصت سال اعصار ظلمت است، آنگاه تمثیل «سه سال و نیم»، یا «چهل و دو ماه»، یا «زمان و زمان‌ها و نصف زمان» که به‌صورت نمادین اعصار ظلمت را نشان می‌دهند، معنای هفتاد سال نمادین و کاربرد آن را گسترش می‌دهند.

در کتاب دانیال، هفتاد سال به‌عنوان دوره‌ای از توان‌بخشی پیام نخستین تا داوری شناخته می‌شود. این دوره در هر جنبش اصلاح مقدس وجود دارد، و بدین‌سان، هفتاد سال نمایانگر خطوط دیگری از حقیقت است که بر عنصر زمان تأکید ندارند، بلکه مقصود آن دوره را مورد خطاب قرار می‌دهند. برای نمونه، دوره هفتاد سال از سوی ملاکی به‌عنوان دوره‌ای بازنمایی می‌شود که در آن رسول عهد، پسران لاوی را تطهیر می‌کند. خواهر وایت تطهیر لاویان در ملاکی را با دو پاکسازی هیکل به‌وسیله مسیح مرتبط ساخت. همین دوره، دوره زمان مهر زدن یکصد و چهل و چهار هزار است. همچنین دوره‌ای است که در آن باران آخر به‌گونه‌ای تدریجی فرو ریخته می‌شود. همین دوره نیز زمان آزمون

صورت وحش است که به نشان وحش منتهی می‌گردد. این دوره همچنین «روز تدارک» نبوی است که به قانون یکشنبه می‌انجامد، و آن نیز همان «روز سبت» است. این دوره دربرگیرنده زمان‌های پراکندگی و زمان‌های گردآوری است که هر دو از عناصر «هفت زمان» هستند.

در کتاب دانیال، یهو یاقیم نماد توانمندسازی پیام نخست است. در ارتباط با دو پادشاهی که پس از او می‌آیند، او به سادگی نخستین سه فرشته‌ای است که به داوری منتهی می‌شوند و در داوری پایان می‌یابند. کورش نه تنها نماد قانون یکشنبه است، بلکه همچنین «نشانه‌ای» از رهایی نیز هست. دانیال عنصری از ترکیب سه ویک است، و نیز بخشی از بازنمایی چهارگانه و جهانی قوم خدا. دانیال همچنین نماد پیام‌آور الیاس است و در کتاب مکاشفه نیز نمونه‌وار به یوحنا اشاره دارد. او همچنین نماد کسانی است که مهر خدا را دریافت می‌کنند. نام «دانیال» به معنای «داور خدا» یا «خدای داوری» است؛ از این رو او نماد داوری، و نیز نماد لائودکیه است، زیرا لائودکیه به معنای «قومی داوری‌شده» یا «قومی تحت داوری» است. داوری لائودکیه در نهایت بر رد معرفتی استوار است که در کتاب دانیال مهرگشایی می‌شود.

نیوکدنصر نمادی است هم از شاخ جمهوری‌خواه و پروتستان حقیقی ایالات متحده، و نیز نمادی است از ایالات متحده از آغاز تا پایان آن. هنگامی که به فصل‌های چهار و پنج دانیال برسیم، خواهیم یافت که نیوکدنصر نماینده «زمان آخر» در سال ۱۷۹۸ است، و بلشصر نماینده قانون یکشنبه است. نیوکدنصر در پایان «هفت زمان» مجازات، به حاکمی همچون بره و توبه‌کرده بدل شد، اما پسرش، درست پیش از هلاکت خویش، به سان اژدها سخن می‌گوید.

«بر واپسین فرمانروای بابل، همان‌گونه که به‌طور نمادین بر نخستین آن، حکم دیدبان الهی فرود آمده بود: «ای پادشاه، ... به تو گفته می‌شود؛ پادشاهی از تو جدا شده است.» دانیال ۴:۳۱» انبیا و پادشاهان، ۵۳۳.

دانیال باب اول، تاریخ جنبش میلری را از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به تصویر می‌کشد. همچنین، دوره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه را نیز نمایندگی می‌کند. افزون بر این، نمایانگر نخستین پیام‌های سه‌فرشته‌ای است که خود نیز نماد نبوی دومی از تاریخ ایالات متحده از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه به شمار می‌روند.

شاید مهم‌ترین بازنمایی فصل اول دانیال این باشد که این نخستین چیزی است که در آن کتاب نبوی متشکل از کتاب دانیال و کتاب مکاشفه با هم ذکر می‌شود. این نخستین سه آزمون نبوی است که شاگرد نبوت باید بر آن مسلط گردد. این همان چیزی است که باید «خورده شود» تا آزمون‌های پس از آن با موفقیت پشت سر گذاشته شوند.

در کتاب «نوشته‌های نخستین»، همان‌گونه که پیش‌تر بیش از یک بار در این مقالات نقل شده است، خواهر وایت در یک بند فرایند سه‌مرحله‌ای آزمون در تاریخ مسیح را مشخص می‌سازد، و سپس در بند بعدی فرایند سه‌مرحله‌ای آزمون در تاریخ میلریتی را بیان می‌کند. او تصریح می‌کند که آنان که در زمان مسیح پیام یحیی را رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند. بند بعدی برای کسی که مایل به دیدن باشد روشن می‌سازد که نخستین آزمون برای میلریتی‌ها و ویلیام میلر بود؛ کسی که خواهر وایت بیان می‌کند نمونه‌وار به وسیله هم یحیی تعمیددهنده و هم ایلیا بازنمایی شده بود. آن دو شاهد آزمون نخست ثابت می‌کنند که دانیال باب اول، پیام ایلیا است. اگر باب اول رد شود، از باب‌های دوم و سوم هیچ بهره‌ای حاصل نخواهد شد.

عیسی و فرشته دوم، هر یک در تاریخ‌های مربوط به خود، پس از یحیی تعمیددهنده و فرشته اول آمدند. پس از عیسی، داوری صلیب واقع شد، و فرشته سوم هنگامی ظاهر شد که داوری تحقیقی

آغاز گردید۔ نومیدی شاگردان در پای صلیب، نمونہٴ نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است۔ فصل اول دانیال، ایلیاست، آن گونہ کہ در یحییٰ تعمیددہندہ و ویلیام میلر نمایان شدہ است، اما از فصل ہای دوم و سوم جدایی پذیر نیست۔ این فصل ہا در کنار یکدیگر، انجیل جاودان ہستند، کہ ہموارہ پیامی نبوی آزمونگر در سہ گام است کہ دو طبقہ از پرستندگان را پدید می آورد و سپس از یکدیگر جدا می سازد۔ بنابراین، اگر این سہ فصل از یکدیگر جدا شوند، آن گاہ انجیلی دیگر خواہد بود۔

لیکن اگر ہم، یا آسمان سے کوئی فرشتہ، اُس خوشخبری کے سوا جو ہم نے تمہیں سنائی ہے، تمہیں کوئی اور خوشخبری سنائے، تو وہ ملعون ہو۔ جیسا ہم پہلے کہہ چکے ہیں، ویسا ہی اب میں پھر کہتا ہوں کہ اگر کوئی شخص اُس خوشخبری کے سوا جو تم نے قبول کی ہے، تمہیں کوئی اور خوشخبری سنائے، تو وہ ملعون ہو۔ گلتیوں 1:8، 9۔

دانیال باب اول راہ را برای این امر مہیا می سازد کہ رسول عہد ناگہان بہ ہیکل خود بیاید، و نیز نمایانگر آن صدایی است کہ در بیابان ندا می کند۔ بیابان بہ مثابہ دورہ ای از پراکندگی بہ تصویر کشیدہ شدہ است؛ جایی کہ مقدس و لشکر پایمال می شوند۔ در دانیال باب اول، دانیال در بیابان است، پراکنده و بہ بندگی کشیدہ شدہ۔ پیام باب اول، راہ را برای پیام باب دوم آمادہ می کند، جایی کہ مسیح پسران لاوی را تطہیر می نماید و با آنان داخل عہد می شود۔ پسران لاوی بہ عنوان نماد قوم برگزیدہ خدا شناختہ می شوند، زیرا در بحران تمثال زرین ہارون، با وفاداری در کنار موسی ایستادند؛ و باب سوم دانیال نیز بحران تمثال زرین است۔

شدرخ، میشخ و عبدنغو همچون لاویانی ہستند کہ پیش از آزمون «تمثال وحش» در ماجرای بت زرین، تطہیر شدہ اند۔ در آن آیین، نبوکدنصر ارکستر را فراہم می آورد، فاحشہٴ صور سرودہا را می خواند، و اسرائیل روحانی مرتد در برابر بت زرین سر فرود می آورد و سپس بر گرد آن، با نوای موسیقی، برہنہ می رقصد۔

کتاب ہای دانیال و مکاشفہ یک کتاب اند، و مسیح بہ عنوان آلفا و امگا اکنون مہر از آن کتابی برمی دارد کہ مکاشفہٴ عیسی مسیح را نمایندگی می کند۔ نخستین حقیقتی کہ او در آن کتاب قرار می دہد، پیام ہای سہ فرشتہ است۔ سہ باب نخست دانیال، همان پیام ہای سہ فرشتہ اند۔ حقایق مرتبط با آن پیام ہای سہ فرشتہ در باب چہاردہم مکاشفہ، ہنگامی بہ کمال می رسند کہ شناختہ شود نخستین بار در سہ باب اول دانیال ذکر شدہ اند۔ در مکاشفہٴ چہاردہ، آن ہا بہ عنوان انجیل جاودانی معرفی شدہ اند، و در آسمان در پروازند؛ و بدین سان پیامی را مشخص می سازند کہ در ایام آخر بہ تمامی جہان عرضہ می شود۔ در سہ باب نخست دانیال، تجربہ مردان و زنانی کہ آن پیام را بہ جہان حمل می کنند، بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ مکاشفہٴ چہاردہ خط بیرونی حقیقت است کہ با نمادہا، پیام سہ فرشتہ را بازنمایی می کند۔ انجیل جاودانی، و پیام ہر یک از آن سہ فرشتہ، بہ واسطہٴ خط درونی حقیقت کہ در سہ باب نخست دانیال نمایان شدہ است، بہ کمال رساندہ می شود۔

پہلے تین ابواب بہت سی شاندار سچائیوں کی نمائندگی کرتے ہیں، اور اُن سچائیوں میں سے ایک یہ ہے کہ یہ تین پیغامات آزمائش کے تین مراحل پر مشتمل ایک عمل ہیں: پہلے خوراک کی آزمائش، پھر بصری آزمائش، اور اُس کے بعد ایک کسوٹی کی آزمائش۔ بلاشبہ، ان تین آزمائشوں کے لیے اور بھی نام اختیار کیے جا سکتے ہیں، لیکن یہ نام باب اول میں آسانی سے دیکھے جا سکتے ہیں، اور پھر باب اول سے سوم تک دوبارہ نمایاں ہوتے ہیں۔ ان تین ابواب کو باہم ملا کر ایک ہی نشان کے طور پر پہچانا جانا چاہیے۔

"پہلا اور دوسرا پیغام 1843 اور 1844 میں دیا گیا تھا، اور اب ہم تیسرے کی منادی کے تحت ہیں؛ لیکن ان تینوں پیغامات کی منادی اب بھی کی جانی ہے۔ اب بھی اتنا ہی ضروری ہے جتنا پہلے کبھی تھا کہ انہیں ان لوگوں کے لیے دہرایا جائے جو سچائی کے طالب ہیں۔ قلم اور آواز کے ذریعے ہمیں اس منادی کو بلند کرنا ہے، ان کی ترتیب کو ظاہر کرتے ہوئے، اور اُن پیشین گوئیوں کے اطلاق کو

واضح کرتے ہوئے جو ہمیں تیسرے فرشتے کے پیغام تک لے آتی ہیں۔ پہلے اور دوسرے کے بغیر تیسرا ہو ہی نہیں سکتا۔ یہ پیغامات ہمیں دنیا کو مطبوعات اور خطابات کے ذریعے دینے ہیں، نبوتی تاریخ کے سلسلے میں اُن باتوں کو ظاہر کرتے ہوئے جو ہو چکی ہیں اور جو ہونے والی ہیں۔ "Selected Messages, book 2, 104, 105

مہم نیست کہ میان تاریخ واقعی باب‌های دو و سه تنها یک روز، یا یک هفته، یا بیست سال فاصله بوده باشد؛ این باب‌ها به‌گونه‌ای نمادین، آزمون تدریجی سه امتحان را به تصویر می‌کشند. نبوکدنصر از این‌که خدا، به واسطه نبی خود دانیال، توانست رؤیای او را بداند و چنان تعبیری استوار از آن رؤیا ارائه کند که جز به عنوان حقیقت فهمیده نشود، خیره و شگفت‌زده شده بود. با این حال، در باب سه، نبوکدنصر در دومین آزمون باب دو ناکام ماند؛ زیرا تصمیم گرفت خواهش متکبرانہ انسانی خود را بر آن تجلی شگفت‌انگیز قدرت خدا برتر نهد، همان قدرتی که معنای الهی آن رؤیای پنهان را آشکار ساخته بود.

در برپا کردن تمثال زرین در باب سوم، او در سومین—آزمون محک—ناکام ماند. شدرک، میشک و عبدنغو از آزمون محک سرافراز بیرون آمدند. نبوکدنصر نشان وحش را دریافت کرد و آن سه مرد شایسته مهر خدا را پذیرفتند. سه باب نخست دانیال باید در چارچوب سه فرشته مکاشفه چهارده فهمیده شوند. این سه باب، هرچند بسی ساده می‌نمایند، زیرا چنان روشن‌اند که معمولاً چنان حکایت‌هایی برای کودکان مسیحی به کار می‌روند، در حقیقت شاید ژرف‌ترین سه باب در کلام خدا را نمایندگی کنند.

ما در مقاله بعدی، فصل سوم دانیال را ادامه خواهیم داد.

«خودستایی و ستمی که در مسیری که پادشاه بت‌پرست، نبوکدنصر، پیمود دیده شد، در روزگار ما نیز ظاهر شده است و همچنان ظاهر خواهد شد. تاریخ تکرار خواهد شد. در این عصر، آزمون بر محور نگاه‌داشت سبت خواهد بود. سراسر عالم آسمانی می‌نگرد که انسان‌ها شریعت یهوه را پایمال می‌کنند و یادبود خدا، آن نشان میان او و قوم فرمان‌نگه‌دار او را، چیزی بی‌ارج و شایسته خواری می‌شمارند؛ حال آنکه سبتی رقیب را رفعت می‌دهند، همان‌گونه که آن تمثال عظیم زرین در دشت دورا رفعت داده شد. مردانی که مدعی مسیحی بودن‌اند، جهان را فرامی‌خوانند تا این سبت مجعول را که خود ساخته‌اند نگاه دارد. همه کسانی که سر باز زنند، زیر قوانین ستمگر قرار داده خواهند شد. این است سر بی‌دینی، تدبیری از عاملان شیطانی، که به وسیله مرد گناه به اجرا درمی‌آید.» The Youth's Instructor, July 12, 1904